مجموعه چکیده مقالات

نخستین همایش زبانشناسی نقشگرا



همدان، دانشگاه بوعلی سینا

۱۱و۱۲ شهریور ۹۴

نقشه معنایی برایی در منتخبی از زبان‌های ایرانی

مسعود محمدی راد: دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

نقشه معنایی ابزاری برای صورت‌بندی الگوهای چندمعنایی در سطح زبان‌هاست. این الگوهای چند معنایی معمولاً در تکواژهای دستوری به کار می‌روند. در ترسیم نقشه معنایی فرض بر این است که نقش‌هایی که یک تکواژ دستوری (مانند نشانه حالت، و حرف اضافه) نشان می‌دهد، به شیوه‌ای نظامند در کنار هم قرار می‌گیرند و در واقع این ارتباطات معنایی همگانی هستند. در این مقاله قصد داریم نقش‌های نشانه برایی (اعم از حالت‌نما یا حروف اضافه) را در منتخبی از زبان‌های ایرانی نشان دهیم. نقشه معنایی هسپلمت (۲۰۰۳) اساس کار ما برای ترسیم نقش‌های نشانه برایی در زبان‌های ایرانی است که شامل اوستایی باستان، اوستایی متأخر، فارسی باستان، پارتی، فارسی میانه، وخی، فارسی نو، گیلکی، تالشی، بلوچی (گونه ترکمنستان)، تاتی (گویش چالی)، کردی کرمانجی، کردی سورانی، کردی کلهری، هورامی، زازاکی، و گورانی است. داده‌های این زبان‌ها از دستورزبان آنها گردآوری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد به طور کلی نقشه معنایی هسپلمت از عهده نقش‌های نشانه برایی در زبان‌های ایرانی برمی‌آید اما باید بعضی ارتباطات معنایی جدید به آن اضافه شود؛ در برخی از زبان‌های ایرانی نشانه برایی علاوه بر نقش‌هایی که در نقشه هسپلمت آمده است، نقش‌های پذیرا (patient)، مکان، و مبدأ را نشان می‌دهد. همچنین داده‌ها مؤید آن است که بین نقش‌های «قصد» و «پذیرنده (recipient)» رابطه وجود دارد.

در واقع نشانه برایی هم مفاهیم غیرفاصله‌ای را در برمی‌گیرد (مانند تجربه‌گر، بهره‌ور، پذیرنده) هم مفاهیم فاصله‌ای (مانند جهت، مبدأ، مکان) (لمبرت، ۲۰۱۰:۱۴)، و نقشه معنایی هسپلمت عمدتا بر اساس نقش‌های غیرفاصله‌ایِ نشانه‌ی برایی است. پیشنهاد می‌شود نقشه پیشنهادی هسپلمت به صورت زیر اصلاح شود (خطوط نقطه‌چین ارتباطات معنایی اضافه شده به نقشه هسپلمت است). این نقشه معنایی با نقشه تغییرات درزمانی در حوزه جهت-پذیرنده که نروگ (۲۰۱۰:۲۵۱) ارائه می‌کند همخوانی دارد.

